

عوامل و راههای هویت بخشی به جوانان

نعمت الله یوسفیان

استادیار پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

هویت‌یافتگی نقشی تعیین‌کننده در رفتار آدمی دارد: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» (اسراء: ۸۴). جوانانی که از شاکله هویتی مستقل و ارزشمندی برخوردارند، در چالشهای مهم زندگی دچار بن‌بست نمی‌شوند و راه برون رفت از آن را می‌شناسند؛ ولی آنان که خود را گم کرده‌اند و از اصل خویش بازمانده‌اند، در سبک وزنی و بی‌هویتی، انحطاط و سقوط گرفتار می‌شوند و از جوانی و عمر خویش طرفی نمی‌بندند.

هویت چیست؟ فرآیند شکل‌گیری آن کدام است؟ چه عواملی در هویت‌یافتگی نسل جوان مؤثرند؟ نقش دین و آموزه‌های دینی در این میان چیست؟ راههای هویت‌بخشی کدام است؟ و... اینها پرسشهایی هستند که خواهیم کوشید در این مقاله به آنها پاسخ دهیم.

کلید واژه‌ها: هویت، هویت‌یابی، هویت‌بخشی، هویت فردی، هویت خانوادگی، هویت اجتماعی، هویت ملی، بحران هویت.

مقدمه

روزگار نوجوانی و جوانی دوران شکل‌گیری هویت آدمی است و جوانان در این دوران با این مسئله درگیرند و دغدغه‌هایی دارند. نیازها و پرسشهای اساسی در زندگی آنان رخ می‌نماید و در این اندیشه‌اند که چگونه بیندیشند، چگونه باشند، چه باورها و معتقداتی داشته باشند و از چه کسان و کدام کتابها، فیلمها و داستانها تأثیرپذیرند و الگو گیرند. جایگاهشان در این جهان و جامعه کجاست و چه نقشی در این عالم و جامعه دارند؟ آینده‌شان چه خواهد شد و پرسشهایی از این قبیل فراوان آنان را رنج می‌دهد.

امروزه با رشد و گسترش علم و صنعت و فناوری و توسعه ارتباطات بین‌المللی و بروز

اندیشه و تفکر اومانستی و انسان‌محور و تبلیغ آن میان جوامع بشری، خطر بحران هویت جوانان به مشکلی جهانی تبدیل شده است. از این رو، پرداختن به موضوع هویت جوانان، بیان ابعاد آن، عوامل مؤثر در هویت‌بخشی، بیان دیدگاه قرآن و روایات و راهکارهای هویت‌بخشی به نسل جوان از ضروریات جامعه اسلامی ماست و این نوشتار درصدد پردازش این موضوع است.

مفهوم‌شناسی

«هویت» مفهومی میان رشته‌ای است و در رشته‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و دیگر شاخه‌های علوم اجتماعی کاربرد دارد و از زاویه‌های گوناگون و رویکردهای متفاوت می‌تواند به بحث و کنکاش نهاده شود. «هویت» به معنای تشخیص، شخصیت، ذات، هستی و وجود و هر آن چیزی است که موجب شناسایی کسی می‌شود و نیز به معنای حقیقت شیء یا شخص است که مشتمل بر صفات جوهری اوست.^۱

به عبارت ساده‌تر، نخستین مفهومی که می‌توان از کلمه هویت برداشت، مشخصات، شناسنامه و کیستی فرد است. هر کس تصویری خاص و روشن، درست یا نادرست و زشت یا زیبا از خویشتن دارد. او می‌اندیشد، احساس می‌کند، می‌پسندد، می‌خواهد، رنج می‌برد، کار انجام می‌دهد و شک می‌کند. جامعه و جهان را به گونه‌ای می‌بیند و جایگاه خویشتن را در زندگی می‌داند. احساس رضایت و ارزش می‌کند و این همه بیانگر هویت اوست و به خاطر همین تصویر خاص به عنوان یک انسان مستقل در میان سایر انسانها به زندگی خود ادامه می‌دهد.

در مقابل، «بی‌هویتی» عبارت است از احساس زیبونی، بی‌ارزشی، از خودبیگانگی، جداافتادگی از جامعه و گرفتار عقده حقارت شدن و مانند آن.

منظور از «هویت‌بخشی» در اینجا ارائه راهکار و پاسخ‌گویی مناسب و منطقی مبتنی بر ایمان مذهبی و جهان‌بینی الهی به نیازهای گوناگون نسل جوان است و نیز کمک کردن به آنان است برای یافتن پاسخهای درست به پرسشهای مربوط به هویت؛ چراکه در دنیا چیزی همانند دغدغه‌های جوانی و پرسشهای یاد شده برای جوان دلواپسی و نگرانی نمی‌آفریند.

هویت‌یابی نسل جوان در گرو برطرف شدن این دغدغه‌ها، تأمین نیازهای مشروع و یافتن پاسخ پرسشها و دست یافتن به تصویری مبتنی بر ایمان از خویشتن، جامعه و جهان است، تا خویشتن خویش را دریابد، جایگاه واقعی‌اش را پیدا کند و نسبت به اجتماع، جهان آفرینش و اندیشه‌های ناب دینی احساس تعلق و وابستگی نماید، به شخصیتی مستقل، عزتمند و با ارزش دست یابد و در پرتو آن بتواند در نشیب و فراز زندگی به آسانی تصمیم بگیرد و جهت‌گیری معقول و مناسبی

از خویشتن نشان دهد و از تشویش، اضطراب، سردرگمی، احساس پوچی و جدا افتادگی از نظام اجتماعی ایمن گردد.

دوره جوانی

می‌توان زندگی آدمی را به چهار دوره کودکی، جوانی، بزرگسالی و پیری تقسیم کرد. در این صورت، نوجوانی و جوانی آغاز و پایان یک دوره به شمار خواهد آمد که به طور تقریبی از یازده سالگی شروع و به بیست و پنج سالگی خاتمه می‌یابد. گاهی نیز دانشمندان دوره نوجوانی و جوانی را از هم تفکیک می‌کنند؛ ولی در سالهای آغازین و پایانی این دو دوره اتفاق نظر ندارند. بیش‌تر روان‌شناسان عقیده دارند که دوران نوجوانی از ۱۱-۱۲ سالگی شروع و به ۱۷-۱۸ سالگی ختم می‌شود و سنین ۱۷-۱۸ سالگی تا ۲۵ سالگی دوران جوانی شمرده می‌شود.^۲

جوانی مرحله‌ای بی‌بدیل از عمر انسان است. قرآن کریم از آن به دوران قوت و توانمندی یاد کرده که میان دو ضعف قرار گرفته است.^۳ گاهی از آن به «بلوغ اشد» و «استوا» تعبیر می‌آورد که در آن دوره، آثار کودکی به تدریج زایل می‌گردد و توانایی بدن رفته رفته فزونی می‌گیرد.^۴ به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی، «بلوغ اشد» از هیجده سالگی تا سن کهولت و پیری است که عقل آدمی در آن موقع، پخته و کامل است.^۵ امام صادق (ع) نیز بلوغ اشد را هیجده سالگی دانسته است.^۶

در آیه‌ای دیگر دوران زندگی انسان به پنج دوره ترسیم و از دوران جوانی به «زینت» یاد شده است که این تعبیر نشانگر شور و نشاط، عشق، تجمل پرستی و گرایش به آراستگی خود و زندگی در این دوران است.^۷

دوران جوانی در روایات اهل بیت (ع) مورد عنایت و ویژه‌ای قرار گرفته است. در تعبیری از امام علی (ع) فضیلت نعمت جوانی گوهری ناشناخته معرفی شده که انسان جز در ایام پیری قدرش را نخواهد شناخت؛ همانند نعمت سلامت که ارزشش در وقت بیماری نمایان می‌شود.^۸ روایتی دیگر قلب جوان را به قطعه زمینی خالی و آماده تشبیه کرده است که فرصتی بسیار مناسب برای هویت‌یابی و دستیابی به ادب و تربیت دینی و معنویات شمرده می‌شود.^۹

در باره‌ای از روایات به غنیمت شمردن این دوران طلایی در کسب لیاقتها و بالا بردن ظرفیتها سفارش شده است و توصیه شده قبل از اینکه پیری به سراغتان آید جوانی را دریابید^{۱۰}؛ که «جوانی بر سر کوچ است؛ دریاب این جوانی را!» و جوانانی که به هیجده سالگی رسیده‌اند و فرصتها را ارزان می‌فروشند ملامت گشته‌اند.^{۱۱}

فرآیند شکل‌گیری هویت

انسان موجودی با استعدادها و تواناییهای بالقوه است که برای بالفعل‌سازی آن، نیاز به بستری مناسب دارد که این بستر «خانواده» و «اجتماع» است. بررسی‌ها نشان می‌دهند این دو رکن اساسی، نقش بنیادی در رشد و تحوّل انسان دارند و آنچه به فرد در این بستر، از دوران کودکی تا بزرگسالی آموخته می‌شود تا تعامل میان او و جامعه را برقرار سازد، هویت است.

همچنین، بررسی‌های گوناگون نشان می‌دهند که خانواده براساس الگوها، انتظارات، پاداشها، تنبیهات، شیوه‌های تربیتی و معیارهای مقبول جامعه را به فرد منتقل می‌کند و شکل‌گیری هویت در فرد را امکان‌پذیر می‌سازد. جامعه نیز تداوم روند مذکور را از طریق رسانه‌های گروهی، نهادهای آموزشی، گروههای همسال، گروههای مرجع و غیره به عهده می‌گیرد. علی‌القاعده، خانواده و جامعه در کارکرد هویت‌گیری افراد، همپوش یکدیگرند و در صورت ایجاد تعارض میان کارکردها و آموزشهای این دو، احتمال تعارض و بحران هویت متصور است؛ همان‌گونه که در جریان مهاجرتها، تعارض میان خانواده‌های مهاجر و جامعه میزبان، عموماً بحران هویت همراه دارد.^{۱۲}

عوامل هویت‌بخشی

عوامل مؤثر در هویت‌بخشی عبارت‌اند از:

۱. نهاد خانواده

خانواده بیش‌ترین تأثیر را در هویت‌بخشی به نوجوانان و جوانان دارد، کسانی که از نعمت والدین و خانواده‌های مناسبی برخوردارند، ضمن حفظ تعادل روحی و روانی، زمینه رشد و تفکر و بینش آنان هماهنگ با سایر استعدادها می‌گردد. چنین افرادی به آسانی می‌توانند دوران پرمخاطره جوانی را پشت سر بگذارند و به تمام پرسشهای مربوط به کسب هویت مستقل پاسخی درست دهند و در نتیجه، از تحیّر و سردرگمی در پیش‌آمدهای زندگی در امان باشند. اگر این مسئولیت به هر دلیل در محیط خانواده مغفول واقع شود، روشن است که جوان نخواهد توانست در فرآیند هویت‌یابی به موفقیت دست یابد.

۲. نهاد آموزشی

پس از خانواده مؤثرترین عامل در تکوین هویت اشخاص، نهاد آموزشی است. اگر نهاد آموزشی؛ نهاد مدرسه و آموزش و پرورش و به عبارت دیگر مجموعه نهادهای فرهنگی جامعه بتوانند الگوهای مناسبی به نوجوانان و جوانان ارائه کنند، با آنان رابطه عاطفی برقرار نمایند، از

برخوردهای خشک و مستبدانه و یا بی تفاوت بپرهیزند، خواهند توانست آنان را به فرهنگ خودی، جذب کنند و زمینه‌ای مناسب برای هویت‌بخشی و هویت‌یابی را در آنان فراهم سازند.

۳. رسانه‌های گروهی

پس از دو عامل یاد شده، رسانه‌های گروهی و وسایل ارتباط جمعی - اعم از رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجله، کتاب، کامپیوتر و اینترنت و... - نقشی مهم در هویت‌بخشی دارند. می‌توان ادعا کرد که امروزه رسانه به یک جبهه فرهنگی گسترده‌ای تبدیل شده و بیش‌ترین فعالیتش در تربیت جوانان و هویت‌بخشی به آنان است.

۴. گروه همسالان

از جمله عوامل مؤثر در هویت‌بخشی جوانان گروه همسالان - یعنی دوستان و معاشران - هستند که از نظر سنی و عقلی به یکدیگر نزدیک‌اند و وحدتی ناگسستنی میان خود برقرار کرده‌اند. این گروه به عنوان یکی از گروه‌های مرجع، نقشی مهم در ایجاد الگوهای رفتاری افراد دارد؛ به گونه‌ای که فرهنگی خاص و هویتی ویژه برای آنان پدید می‌آورد که همگی از آن پیروی می‌کنند. از جمله خصوصیات این فرهنگ عبارت است از:

۱- ۴. به ارزشهای سنتی چندان پایبند نیستند؛

۲- ۴. رازداری در بین آنها بسیار مهم و متداول است؛

۳- ۴. از بزرگ‌ترها و طبقه اجتماعی خود تبعیت نمی‌کنند؛

۴- ۴. برای معاشرت، زبان و خرده فرهنگ ویژه‌ای دارند؛

۵- ۴. اجباری در اعضا برای پیروی از یکدیگر احساس می‌شود؛

۶- ۴. به دلیل ترس از تحقیر و تمسخر و خرد شدن سعی می‌کنند همان اعمالی را از خود

بروز دهند که گروه می‌طلبید.

در صورتی که نقش خانواده، نهادها و دیگر مراجع در هویت‌بخشی، ضعیف باشد، گروه

همسالان قوی‌تر عمل خواهد کرد.^{۱۳}

۵. نهاد دولت

نهاد دولت و به عبارت دیگر نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه نیز، در رأس دیگر نهادها و به عنوان متولی نظام اجتماعی، از عوامل تأثیرگذار در هویت‌بخشی است.

بدیهی است که اگر دولت به طور همه جانبه از جوانان حمایت کند، به وعده‌هایی که به آنان می‌دهد وفا نماید، بتواند اسلام را در عمل و عینیت جامعه به عنوان آیین زندگی و کامل‌ترین دین آسمانی و پاسخگوی همه نیازها و کارآمد در اداره جامعه به آنان عرضه کنند و درست بشناساند، در

رفع فقر و بیکاری و ناهنجاری و ایجاد زمینه‌های اشتغال، ازدواج و مسکن تمهیدانه و دلسوزانه قدم‌های اساسی بردارد و اعتماد آنها را به خود جلب کند، به لیاقتها، ظرفیتها و تواناییهای آنها اعتماد کند و به آنها شخصیت دهد و احترام بگذارد. در این صورت رفته رفته در هویت‌یابی و شکل‌گیری شخصیت مستقل و عزتمند یاریشان خواهد داد.

ابعاد هویت

هویت‌یابی در دوران نوجوانی و جوانی به موازات رشد فیزیکی، شناختی، عاطفی و اجتماعی اهمیت خاصی می‌یابد. این هویت‌یافتگی در ابعاد گوناگون فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، ملی، دینی و مانند آن بروز می‌کند.

۱. هویت فردی

منظور از هویت فردی همان است که جوان در پاسخ کیستی خود به آن می‌رسد و پی می‌برد که «من» یا «خویشتن» کیست؟ چه نسبتی میان «من» و «غیر من» (جهان برون) وجود دارد؟ میان «تن» و «روان» من چه رابطه‌ای برقرار است؟ «من» در چه مواردی با «غیر من» مشابهت و همانندی دارد و در چه زمینه‌هایی از «غیر من» متمایز می‌شود؟^{۱۴}

چه معنی دارد «اندر خود سفر کن»	که باشم من؟ مرا از من خبر کن
مرا از من خبر کن تا که من کیست	اگر کردی سؤال از من که من چیست
به لفظ من کنند از وی عبارت	چو هست مطلق آمد در اشارت
تو او را در عبارت گفته‌ای من	حقیقت کز تعین شد معین
مشبکهای مشکات وجودیم	من و تو عارض ذات وجودیم
که از آینه پیدا که ز مصباح	همه یک نور دان اشباح و ارواح
به سوی روح می‌باشد اشارت ^{۱۵}	تو گویی لفظ «من» در هر عبارت

هویت فردی وقتی محقق می‌شود که جوان حقیقت خویشتن را بشناسد، به تواناییها، استعدادها، نقاط قوت و ضعف و فراز و فرودهای خویش واقف گردد، خلاقیت خود را پرور کند، جنسیت خود را بپذیرد. برداشتهای شخصی دوران کودکی خویش را تصحیح نماید، نسبت به گذشته و آینده آگاه باشد، تضادهای درونی خود را حل کند، با خویشتن به وحدت برسد و هدف از زندگانی را بداند.

۲. هویت خانوادگی

منظور از این نوع هویت، تعیین نسبت میان جوان و خانواده اوست و اینکه چه پیوندهایی میان آنها موجود است.

خانواده جوان از دو جنبه برای او اهمیت دارد. نخست از نظر مرجعیت و سندیت. رفتار کلامی و عملی والدین، علی‌رغم سنین حساس جوانی، برای فرزند از نوعی اعتبار برخوردار است و چنانچه در رفتار ظاهری چنین واقعیتی را بروز ندهد، در باطن به آن اذعان و باور دارد. از این رو هر نوع ارتباط والدین با فرزند جوان از اهمیتی در خور توجه برخوردار است. جنبه دوم فزونی و کثرت ارتباطهای جوان و والدین در نهاد خانواده است که به نوبه خود می‌تواند هم آنها را به یکدیگر نزدیک‌تر کند و هم در مواردی دور سازد.

هویت خانوادگی جوان وقتی محقق می‌شود که احساس کند نزد والدین مقبولیت دارد و پذیرفته شده است. هر قدر احساس کند که «همان‌گونه که هست» از طرف آنها پذیرفته شده، به همان میزان احساس تعلق به خانواده می‌کند و بر هویت خانوادگی‌اش مهر تأیید نهاده می‌شود. وقتی جوان ببیند در این محیط، دارای شأن و مقام است و مورد تکریم قرار می‌گیرد، مناسبات عاطفی خوبی با او دارند، او را طرف مشورت قرار می‌دهند، او را درک می‌کنند و با او تفاهم دارند، در خانواده احساس شخصیت و ارزشمندی می‌کند.

۳. هویت اجتماعی

هویت اجتماعی عبارت از تعیین نسبت میان جوان و جامعه است؛ یعنی بدانند که چه پیوندهایی با جامعه دارد، چه نقشها و وظایفی در اجتماع دارد و جامعه از وی چه انتظاری می‌کشد.

وقتی جوان از نظر اجتماعی به تربیتی جامع دست یابد، انگیزه‌هایش پرورش یابد و چون خویشتن را در برابر مردم و اجتماع مسئول بدانند، وظایف اجتماعی‌اش را به خوبی انجام دهد و وقتی به قوانین عمومی و اجتماعی احترام بگذارد و در مواقع ضروری بتواند مصالح اجتماعی را بر مصالح فردی خویش مقدم کند، هویت اجتماعی او شکل گرفته است.

۴. هویت فرهنگی

هویت فرهنگی را می‌توان مجموعه یا نظامی از باورها، ارزشها، رسوم و رفتاری دانست که اعضای جامعه به کار می‌بندند تا خود را با جهان و نیز با یکدیگر سازگار سازند. در این جریان، یکی از مسائلی که به هویت فرهنگی برمی‌گردد، پاسخ به این پرسش است که «ما» کیستیم و چگونه «ما» شدیم.^{۱۶}

مؤلفه‌ها و ویژگیهای خاصی که فرهنگ یک جامعه را از جوامع دیگر مشخص و متمایز می‌کند، شناسنامه فرهنگی آن جامعه است. برخی از این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: تاریخ، اقتصاد، مقررات، زبان، هنر و ادبیات که هر یک می‌تواند معرف فرهنگ یک جامعه باشد. جامعه معمولاً بر اصالت هویت فرهنگی خویش تأکید دارد و می‌کوشد این مشخصه‌ها را حفظ و از آن دفاع کند.^{۱۷}

توضیح این نکته ضروری است که دین و اعتقادات مذهبی از عواملی است که می‌تواند در پدید آمدن هویت فرهنگی نقش داشته باشند؛ چراکه در بسیاری از موارد هویت انسان در رابطه با مذهب و دین او شناخته می‌شود.^{۱۸}

۵. هویت ملی

هویت ملی را به عنوان احساس تعلق و تعهد به اجتماع ملی و کل جامعه که فرد در آن عضویت دارد تعریف کرده‌اند. در این تعریف، باورها، ارزشها و هنجارها و نهادهای فرهنگی مانند زبان، دین، آداب و رسوم، ادبیات و... جای دارند و تعلق خاطر افراد به این نهادها و رموز فرهنگی می‌تواند نشانه هویت ملی باشد و از این رو، هویت ملی هم به گذشته افراد وصل است و هم نگاه به آینده دارد.

بنابراین، می‌توان گفت که افراد، نوعی منشأ مشترک را در خود احساس می‌کنند و به آینده‌ای مشترک دل بسته و چشم انتظار آن هستند.^{۱۹}

هویت ملی با پاسخ‌گویی آگاهانه به پرسشهایی درباره خود، گذشته، کیفیت، زمان تعلق، خاستگاه اصلی و دائمی، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ارزشهای مهم هویت تاریخی محقق می‌شود. به عنوان مثال، احساس افتخار جوانان ما از ایرانی بودن، علاقه‌مندی به شعر و ادب فارسی، باور کردن اینکه فرهنگ و تمدن ایران در مقایسه با سایر فرهنگها و تمدنها پربار است، افتخار به اینکه تمدن ایرانی با فرهنگ اسلامی آمیخته است، برخورداری از هویت و روح ملی قوی، آمادگی دفاع از ملت و کشور اسلامی و... همه و همه نشان دهنده هویت ملی است.

۶. هویت دینی

رابطه آدمی و دین و نسبی که با آن پیدا می‌کند، در مقوله «هویت دینی» قابل تبیین و توضیح است. به گفته یکی از روان‌شناسان، هدف ایدئولوژی، ایجاد تصویری در ذهن شخص است که احساس فردی و جمعی هویت را در او تقویت کند. بدیهی است که از پیامدهای تکوین هویت دینی، احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزشها و باورهای دین است.^{۲۰}

از جمله دستاوردهای هویت دینی عبارت‌اند از: پاسخ به پرسشهای بنیادی مانند «من کیستم؟» و «به کجا تعلق دارم»، جهت بخشیدن به زندگی، رویکرد مثبت به آینده، مقبولیت اجتماعی، برخورداری از شأن و منزلت ملکوتی و قابل تکریم، معنا بخشیدن به جهان و...^{۲۱} اظهار رضایت و افتخار از مسلمان بودن، تفکر در اعتقادات دینی، برخورداری از باور دینی روشن، باور به اینکه مراسم مذهبی رایج در جامعه ایران باعث آرامش و سلامت روحی مردم

است، توکل بر خداوند و نیرو گرفتن از آن هنگام مشکلات، به زیارت اماکن مقدسه رفتن در هر فرصت ممکن، ایمان به اینکه اجرای آداب و رسوم دینی دارای اهمیت درجه اول است و بی‌ارزش دانستن اعتقادات قلبی دینی بدون انجام آداب رسمی دینی، احساس مباحثات از دوستی اهل بیت، عفت و پاکدامنی، روح جوانمردی، دینداری و خداشناسی همه و همه از نشانه‌های هویت دینی نسل جوان شمرده می‌شود.

به نظر می‌رسد در میان انواع هویت یاد شده، هویت دینی در مرتبه‌ای بالاتر از سایر ابعاد قرار دارد و می‌تواند در شکل‌گیری دیگر ابعاد هویتی فرد، نقشی اساسی ایفا کند. از این رو، آنچه مورد نظر ما در این نوشتار است، همین بُعد از هویت است و درصدد تبیین و ارائه راهکار برای هویت بخشی دینی به نسل جوان هستیم.

قرآن و هویت بخشی دینی

نسل جوان همان‌گونه که از ناحیهٔ پرسشهای مربوط به هویت، دغدغه و نگرانی دارد، از ناحیهٔ نیازهای مادّی زندگی‌اش نیز نگران است.

قرآن کریم با نگاهی فراگیر به همهٔ نیازهای فکری، اخلاقی، جنسی، مادی و معنوی نسل جوان به شکل مناسب و هماهنگ با فطرت و ساختار وجودی‌اش پاسخ می‌گوید و راهی روشن پیش پایش می‌گذارد و نیز تصویری جذّاب، منطقی و امیدوارکننده از انسان، جامعه و جهان ارائه می‌کند و روح امید و نشاط را در وجودش می‌دمد و از او شخصیتی ارزشمند، عزیز و نفوذناپذیر می‌سازد؛ به گونه‌ای که در برابر بی‌ارزشیها و پوچیها سر فرود نمی‌آورد. او در فراز و نشیبهای زندگی به آسانی راه درست را می‌پیماید و خویشتن را به قدرت لایزال الهی متصل می‌کند، با او انس می‌گیرد، به او توکل می‌کند، با مظاهر پوچی و بی‌وزنی و بی‌هویتی مبارزه می‌کند:

قرآن همه انسانها و از جمله جوانان را به هویت دینی فرامی‌خواند، راز هویت انسانی را روح خدا می‌شمارد که در آدمی دمیده شده است^{۲۲} و نفی هویت انسانی را بزرگ‌ترین زیان و زیانی واقعی در زندگی بشر معرفی می‌کند^{۲۳} و برای هویت بخشی بر سه اصل اساسی عنایت ویژه دارد: خودیابی^{۲۴}، خودبالایی^{۲۵} و خودپایی^{۲۶}.

میان خودیابی و خدایابی رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد. خداشناسی و خدایابی که شاه کلید هویت دینی است، در آموزه‌های پیشوایان معصوم ثمرهٔ خودشناسی و خودیابی معرفی گردیده است؛^{۲۷} چنان‌که سبک وزنی، گم‌گشتگی و بی‌هویتی از ناحیهٔ خدا فراموشی و گسستگی از خدا عاید انسان می‌شود.^{۲۸} پس از آن، با هرز اندیشی، هوس زدگی، حق‌گریزی، عدالت ستیزی، وابستگیهای مادی، خودمحوری و غرور انسان او را به ورطهٔ انحطاط و سقوط می‌اندازد.

خودپالایی اصل دیگر در هویت‌یابی و هویت‌بخشی است. انسان برای احراز هویت دینی و برخورداری از شخصیتی ارزشمند بایستی خود را پالایش کند و آیات فراوانی در این باره وجود دارد که به توبه، استغفار، انابه و تضرع به درگاه خداوند متعال توصیه کرده است. بدون تردید، ایجاد امنیت روانی برای جوان، دوری از هرگونه سرزنش و تحقیر، برقراری ارتباط کلامی و عاطفی، پرهیز از افراط و تفریط و برخورد مناسب با او، کمک شایانی در خودپالایی جوان و در نتیجه هویت‌یابی او خواهد کرد.

پس از این دو مرحله، دستور قرآن به خودپایی و مراقبت است، که مبادا آدمی به هرزاندیشی و هرزباوری دچار شود. و دامن خود را آلوده سازد؛ مواظب باشد به دام مادیگری، دنیازدگی، دین‌فروشی، بی‌تقوایی، کفر و شرک، سرکشی و تبهکاری و مانند آن گرفتار نیاید که زمینه‌های سبک‌وزنی و بی‌هویتی لغزیدن در این امور است.

قرآن مجید در مسیر هویت‌بخشی، زندگی اصیل و حقیقی را به خوبی ترسیم و برای دستیابی به آن شاخصه‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی بسیاری را تبیین کرده است و از همین رهگذر سرگذشت دو طیف را به تصویر کشیده است. از اقوام، گروهها و افرادی یاد کرده است که زندگانی حقیقی و اصیل را نادیده گرفته‌اند و راه بی‌هویتی را پیموده‌اند و سرانجام به انحطاط و سقوط دچار شده‌اند. سرگذشت این دسته را برای عبرت‌گیری تبیین کرده و در این باره دستور به عبرت‌آموزی داده است.^{۲۹}

سرگذشت اقوام، گروهها و افرادی را که در پی زندگی اصیل بوده‌اند و راه سعادت را پیموده‌اند برای درس‌آموزی بیان کرده و دستور به الگوگیری از آنان داده است.^{۳۰} به عنوان نمونه، می‌توان از حضرت ابراهیم در سن جوانی یاد کرد که با زمینه‌های بی‌هویتی مبارزه کرد و با توکل به خداوند و استواری در راه عقیده بتها را - که مظهر شرک و کفر و بی‌هویتی‌اند - درهم شکست. وقتی نمرودیان وارد بتکده شدند، مات و مبهوت ماندند از اینکه چه کسی به خدایانشان جسارت کرده است: «قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ»^{۳۱} گفتند: شنیده‌ایم جوانی به نام ابراهیم بتها را به بدی یاد می‌کند. کار، کار اوست.

تصمیم به مجازات و سوزاندنش گرفتند در حالی که - به قول مرحوم علامه مجلسی - جوانی شانزده ساله بود.^{۳۲} تمام جهت‌گیریها، حرکتها و عکس‌العملهای او براساس هویت پایدار دینی و با اعتماد به نفس، عزتمندی و اتکا به قدرت لایزال الهی صورت می‌گرفت. از این رو، نصرت خداوند نیز شامل حالش شد و وقتی او را در آتش انداختند، حتی دست رد بر حضرت جبرئیل زد و تنها از خداوند یاری طلبید و در نتیجه آتش به امر الهی به سردی گرایید و دامنش را نسوزاند.^{۳۳}

نمونه دیگر، سرگذشت جوانمردانی است در حاکمیت دقیانوس و اجتماعی بی هویت که با شاکله هویت دینی بروز کردند: «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى». ^{۳۴} آنان در شرایط حساس و سرنوشت‌ساز و بین دو راهی نور و ظلمت، سعادت و شقاوت، پوچی و هدفمندی، بی هویتی و ارزشمندی به آسانی تصمیم گرفتند و راهی را برگزیدند که نشانگر هویت و شخصیت الهی آنان بود. زندگانی حضرت داوود، حضرت یوسف، حضرت موسی، حضرت اسماعیل در سنین جوانی، یادکرد ایشان امام علی (ع) در لیلۃ المیت و ستودن آن و دهها مورد دیگر در قرآن کریم همه و همه نمونه‌های برجسته و شایسته درس‌آموزی و الگوگیری برای هویت‌بخشی به جوانان است و جا دارد در این زمینه کارهای هنری مناسب و به مقتضای حال صورت گیرد و بر شاخصه‌های هویت دینی در این گونه داستانها تأکید شود.

روایات اهل بیت (ع) و هویت بخشی

از پیشوایان معصوم (ع) روایات فراوانی در موضوع هویت بخشی جوانان در دست داریم. آنچه در این باره نقل شده است، در سیره عملی آنان عینیت یافته است و بیش از دیگران نسل جوان را در هویت یابی با شاخصه‌های دینی یاری می‌کند. روایات در این خصوص را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱. دسته‌ای از روایات به پرسشهای اساسی جوانان پرداخته و تصویری زیبا از هستی او، جهان آفرینش و اجتماع و رابطه آنان با این دو ارائه داده است. ^{۳۵}
۲. دسته‌ای جوانان رشد یافته و برخوردار از هویت دینی را ستوده‌اند و برای آنان منزلتی ارزشمند قائل شده‌اند؛ مانند روایتی که می‌فرماید: «خداوند متعال با جوان عابد بر فرشتگان مباحث کرده، می‌فرماید: بنده‌ام را بنگرید که چگونه به خاطر من از خواهشهای نفسانی‌اش دست کشیده است.» ^{۳۶} «ارزش جوان عابدی که در جوانی، ره بندگی پیش می‌گیرد، بر کسی که در بزرگسالی به عبادت روی آورده، همچون برتری فرستادگان الهی بر دیگر مردم است.» ^{۳۷} «محبوب‌ترین خلائق در پیشگاه خداوند بزرگ جوانی است کم سن و سال و خوش سیما که جوانی و جمالش را برای خدا و در بندگی او خرج می‌کند. این همان کسی است که خدای رحمان به واسطه او بر فرشتگان افتخار کرده، او را بنده واقعی خویش می‌خواند.» ^{۳۸} روایتی نیز جوان خوش اخلاق را کلید خوبیها و ریشه کن کننده شرور و بدیها معرفی کرده است. ^{۳۹}
۳. دسته‌ای نیز همانند قرآن مجید برای هویت‌یابی و هویت‌بخشی بر سه اصل «خودپایی»، «خودپالایی» و «خودپایی» تأکید کرده‌اند. به عنوان نمونه، امام علی (ع) از کسی که وقتی

کالایی را گم می‌کند و در صدد جست و جویش برمی‌آید، ولی «خویشتن خویش» را گم کرده و در پی یافتن آن نیست اظهار شگفتی می‌کند.^{۴۰} روایات خودپالایی، سنّ جوانی را بهار خودپالایی و توبه دانسته‌اند و از آن به عنوان کاری شایسته و محبوب خداوند متعال یاد کرده‌اند.^{۴۱} در دعای فرج نیز می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ... وَ تَقْضِلْ عَلَيَّ الشَّبَابَ بِالْإِنَابَةِ وَ التَّوْبَةِ.»^{۴۲} درباره خودپایی نیز توصیه‌های فراوانی در جهت تقوای پیشگی و مراقبت از لغزیدن در دام هواها و خواهشهای نفسانی و مانند آن وارد شده است.

۴. دسته‌ای دیگر از روایات پرده از پر مخاطره بودن دوران جوانی برداشته و در باره خطر بحران بحران هویت هشدار داده‌اند. پیامبر اکرم (ص) جوانی را نوعی جنون دانسته است: «الشَّبَابُ شُعْبَةٌ مِنَ الْجُنُونِ.»^{۴۳} این نشانگر سردرگمیها و اشتباه کاریهای این دوران است که جوان را دچار تشویش می‌کند و تصمیم‌گیریها را بر او مشکل می‌سازد. حضرت علی (ع) از این دوران با عبارت «سُكْرُ الشَّبَابِ» یاد کرده است، گویی فرد در جوانی شعور خویش را از دست می‌دهد و در حالت مستی به سر می‌برد. از این رو، توصیه می‌فرماید که نگاهی پدید و مراقبت کنید که مبادا گرفتار غرور و مستی جوانی شوید؛ زیرا مستی شبان بادی سمّی و پلید همراه دارد که خرد را نابود می‌کند و جوان را دچار سبک وزنی و بی‌هویتی می‌سازد.^{۴۴}

اولیای گرامی اسلام برای مصونیت بخشی جوانان از بی‌هویتی توصیه کرده‌اند:

۱-۴. در زندگی برنامه‌ریزی داشته باشند و کارهای خویش را بر اساس نظم و برنامه‌ریزی پیش برند؛ برنامه‌ریزی برای خودسازی همه جانبه، جهاد علمی پیگیر، تحکیم باورها، کسب لیاقت و افزایش ظرفیتها و تواناییها، انس با خدا و قرآن و یاد خدا.

۲-۴. از فرصت جوانی به خوبی استفاده کنند و دچار غفلت نشوند.

۳-۴. مسئولیت‌پذیر باشند و وظایف خود را در برابر خویشتن، جهان و دیگران انجام دهند.

۴-۴. از دل مشغولیهایی بی‌ارزش و بیهوده بپرهیزند.

۵-۴. از تقلید کورکورانه و بی‌پایه از دیگران دوری جویند.

۵. دسته‌ای از روایات نیز شامل توصیه‌هایی‌اند به خانواده‌ها، والدین، مربیان و مسئولان

تربیتی که برخی از آنها به قرار زیر است:

۱-۵. مرزبانی از عقیده و ایمان جوانان که مبادا مقهور تهاجم فرهنگی دشمنان و گروه‌های

منحرف شوند. (بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَلِيلًا أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجَأَةُ.)^{۴۵}

۲-۵. مرزبانی از اخلاق جوانان و تقویت بعد اخلاقی، معنوی، ایمانی، خداترسی، تقوا و

تهذیب نفس آنها. (خَيْرٌ مَا وَرَثَ الْأَبَاءُ الْأَبْنَاءَ الْأَدَبُ.)^{۴۶}

۳-۵. برقراری ارتباط کلامی و عاطفی با جوانان و صمیمانه، محترمانه و فعالانه به احساسات و حرفهای او گوش دادن و واکنش مناسب نشان دادن. (عَلَيْكُمْ بِالشُّبَّانِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَقْبَدَةٌ.^{۴۷} عَلَيْكَ بِالْأَخْذَاتِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ).^{۴۸}

۴-۵. احترام به شخصیت جوانان. (اَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آذَانَكُمْ).^{۴۹}

۵-۵. محبت و مهربانی با جوانان به گونه‌ای که پایه‌های شخصیت آنان به خوبی پی‌ریزی شود. احساس عزت و بزرگی نمایند و مورد تحقیر و سرشکستگی قرار نگیرند.

۶-۵. مسئولیت سپردن به جوانان؛ چرا که سیره رسول اکرم (ص) چنین بود.

هویت یافتگان جوان

آنچه دربارهٔ هویت بخشی از قرآن و روایات به نوشتار آمد، در شخصیت دینی، مستقل، نفوذناپذیر، مجاهد فی سبیل الله و مدافع دین و آیین و آرمانهای مقدس نبوی عینیت یافت. آموزه‌های دینی، عملکرد پیشوایان معصوم و سیره عملی آنان در زمینهٔ پاسخگویی به نیازها و پرسشهای اساسی مربوط به کسب هویت جوانان، آنچنان انسانهای ارزشمندی را در جامعهٔ عصر رسالت پرورانیده و به دست تاریخ سپرده است که مطالعهٔ زندگانی، ایمان و اعتقاد، اخلاق و عرفان و معنویت، تدبیر انقلابی و تقوا، ولایت محوری و اطاعت‌پذیری، شهامت و شجاعت، ایثارگری و عشق به شهادت و لقاءالله و میزان وابستگی آنان به دین و ارزشهای دینی، پس از قرن‌ها، انسان را به شگفتی وامی‌دارد.

جعفر بن ابی طالب‌ها، بلال حبشی‌ها، عمار یاسرها، مصعب بن عمیرها، ابوذرها، مقدادها، حنظله‌ها و دیگر جوانان رشد یافته عصر نبوی کسانی‌اند که با آموزه‌های دینی تربیت شده‌اند. آنان با پیامبر اکرم (ص) و آرمانهای اسلامی و انقلابی‌اش پیمان وفاداری بستند و در این راه از همه چیز خود گذشتند.

رسول اکرم (ص) ضمن توصیه به همهٔ کسانی که با نسل جوان در ارتباط‌اند و با تأکید بر هویت‌پذیری سریع و آسان جوانان، یادی از آن گوهرهای ناب و همپیمانی آنان کرده، می‌فرماید: «... إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بَشِيرًا وَ نَذِيرًا فَخَالَفَنِي الشُّبَّانُ وَ خَالَفَنِي الشُّيُوخُ»^{۵۰} سرآمد این جوانان علی بن ابی‌طالب (ع) بود.

هویت دینی و ملکوتی علی (ع) با توجه و اهتمام ویژه پیغمبر اکرم (ص) در تربیت الهی او شکل گرفت و خود آن حضرت چگونگی این هویت‌یابی را این گونه به تصویر کشیده است:

کودکی خردسال بودم که رسول خدا (ص) مرا بر دامن خود می‌نشاند و به سینه‌اش می‌چسباند

و در بستر خود پناهم می‌داد، بدنش را به بدنم می‌سایید و از عطر دل آویزش بهره‌مندم می‌ساخت. لقمه را می‌جوید و در دهانم می‌گذاشت. هرگز دروغی از من نشنید و خطایی در رفتارم مشاهده نکرد... و من همواره -چونان بچه شتری که در پی مادر خویش است- در پی او بودم. از اخلاق خویش هر روز برایم پرچمی می‌افراشت و به پیروم فرمان می‌داد. آن روزها تنها سرپناهی که خانواده‌ای اسلامی را در خود جای داده بود خانهٔ پیامبر و خدیجه بود و من سومی‌شان بودم.^{۵۱}

شخصیت امام علی (ع) مصداقی بارز و الگویی تمام عیار از هویت دینی است و تمام شاخصه‌هایی که در کسب هویت برای جوانان لازم است در وجود آن حضرت و زندگی سراسر جهاد و مبارزه‌اش در راه خدا به خوبی نمایان است. آنچه ما امروزه در هویت بخشی به یک جوان مسلمان ایرانی به آن نیازمندیم و می‌خواهیم جوانان ما در این راه از آن حضرت الگو بگیرند، شاخصه‌هایی است که برخی از آنان را در کلام دلنشین رهبر و مقتدایمان بازمی‌یابیم:

درخشش امیرالمؤمنین (ع) در دورهٔ جوانی، همان الگوی ماندگاری است که همهٔ جوانان می‌توانند آن را سرمشق خودشان قرار دهند. در دوران جوانی در مکه، یک عنصر فداکار، یک عنصر باهوش، یک جوان فعال، یک جوان پیشرو و پیشگام بود... در دوران مدینه، فرمانده سپاه، فرمانده دسته‌های فعال، هوشمند، جوانمرد و بخشنده بود... در عرصهٔ حکومت یک فرد کارآمد بود. در زمینهٔ مسایل اجتماعی هم یک جوان پیشرفته به تمام معنا بود.^{۵۲}

شما امیرالمؤمنین (ع) را به عنوان یک جوان شانزده تا نوزده ساله در مکه یا اوایل ورود به مدینه -که باز هم این بزرگوار، یک جوان بیست و چند ساله بود- در نظر بگیرید؛ در دوره‌های مختلف عمر این بزرگوار نگاه کنید؛ ببینید این جوان، حقیقتاً برای بهترین جوانهای همهٔ زمانها، برترین الگو است. از شهوات جوانی، لذات دنیایی، زیباییهایی که در نظر جوانها ارزش پیدا می‌کند، هیچ نمی‌خواهد، مگر آن هدف عالی و والایی که بعثت نبی اکرم (ص) به خاطر آن هدف است. تمام وجود او در خدمت این هدف است. همه چیز برای او در درجهٔ دوم است. این چیز خیلی عظیمی است که یک جوان، یک لحظه هم به دنیا و شیرینیا و لذتهای دنیا التفات نکند و جوانی، نیرو، نشاط و روحیهٔ خود، یعنی همهٔ آن چیزهایی را که از طراوت و زیبایی و تازگی در جوان هست، همه را در راه خدا مصرف نکند.^{۵۳}

پرتوی از این گونه رشد یافتگی و هویت‌یابی در انقلاب اسلامی ایران با رهبریهای پیامبرگونه امام خمینی (ره) تابیدن گرفت و جوانانی رویدند و به عرصهٔ اجتماع و دفاع از دین و آیین و آرمانهای

اسلامی گام نهادند، به خوبی درخشیدند، حماسه‌ها آفریدند و حقانیت اسلام و آموزه‌های دینی را به اثبات رساندند.

هویت اینان همان هویت جوانان عصر انقلاب نبوی بود. شهید حاج ابراهیم همت، شهید مهدی باکری، شهید حاج حسین خرازی، شهید صیاد شیرازی، شهید آوینی و... گلهای معطری از گلستان انقلاب اسلامی ایران‌اند که عطر دل‌انگیز عرفان و معنویت، اخلاق و ایمان، تدین و تقوا، ایثارگری و شهادت‌طلبی‌شان فضای ایران اسلامی را معطر ساخت و موجی از طراوت و نشاط و حرکت و سلوک الی الله را به ارمغان آورد.

آنان جوانانی با تدین انقلابی بودند، برای رضای خدا کار می‌کردند، اهل محاسبه و مراقبه بودند، همیشه با وضو بودند، در حلال و حرام دقت داشتند، از مال شبه‌ناک پرهیز می‌کردند، چرب و شیرین دنیا آلوده‌شان نکرد، از روحیه تعاون و همکاری با دوستان و هموعان برخوردار بودند، تمیز، آراسته و مرتب بودند، ارزشها را پاس می‌داشتند، اهل مطالعه بودند، ایمان به خدا، بصیرت و آگاهی، صبر و پایداری، اطاعت‌پذیری، ایثارگری و شهادت‌طلبی، اخلاص از ویژگیهای برجسته آنان بود، اهل شب زنده‌داری، انس با قرآن، دعا و توسل بودند، در برابر دین و آیین و انقلاب و آرمانهای مقدس دین احساس مسئولیت می‌کردند و در موقع لزوم از تمام هستی خود در راه خدا می‌گذشتند.

اگر ما امروزه از هویت بخشی جوانان سخن می‌گوییم، مقاله می‌نویسیم و طرحی ارائه می‌دهیم هدفمان بازگشت این این چنین هویتی است و در صدد احیای این قبیل شاخصه‌ها و ارزشها در نسل جوان هستیم.

ژئوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

راهکارها

با توجه به اینکه امروزه زیر سایه حکومت جمهوری اسلامی به سر می‌بریم و نظام سیاسی - اجتماعی حاکم بر جامعه جهت دهنده امور مملکت و تعیین کننده سیاستهای داخلی و خارجی است و مسئولیتهای خطیری در جهت هویت بخشی دینی مردم و به ویژه جوانان برعهده دارد، مهم‌ترین و اساسی‌ترین راهکارها در زمره مسئولیتهای او جای دارند که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. به کارگیری همه امکانات در تبلیغ و شناساندن دین و معارف دینی به مردم و به ویژه جوانان، و برطرف ساختن شبهات فکری و پاسخگویی مناسب و منطقی تا جامعه اسلامی از نظر عقیده و عمل دینی قوی گردد، فرهنگ اسلامی بارور شود و در برابر بحران هویت و بی هویتی نفوذناپذیر شود.

۲. احیا، اعمال و ترویج شعائر اسلامی بر مبنای دستور قرآنی «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ...»^{۵۴}

جهت‌گیری دولت اسلامی باید در راستای احیای مساجد باشد، مساجد را رونق بخشد، اصل امر به معروف و نهی از منکر را احیا کند و نیز موظف به پخش اذان از رادیو، تلویزیون و مساجد است. همچنین ترتیب و تنظیم برنامه حج و احیای آن، به صورت یک نیروی عظیم الهی در برابر کفر و استکبار، از وظایف دولت اسلامی است. دولت اسلامی باید جامعه را از تظاهر به روزه‌خواری پاک کند و در معیار عمومی و دید مردم از آن جلوگیری نماید.^{۵۵}

۳. به کارگیری همه امکانات برای اصلاح اجتماع و ایجاد زمینه مساعد تربیتی؛ زیرا شرایط نامناسب اجتماعی از عوامل بی‌هویتی جوانان محسوب می‌شود. به تعبیر امام علی (ع) «وقتی زمان و جامعه بد شد و شرایط اجتماعی نامناسب گردید، خوبیها بی‌رونق می‌شوند و... رذایل و بدیها رایج می‌گردند...»^{۵۶}

۴. مقابله اساسی در سطح کلان با همه عواملی که اساس عقیده، اخلاق و تربیت اسلامی را متزلزل می‌سازد و نمی‌گذارند نهال تبلیغ و ارشاد فرهنگی به ثمر برسد و زمینه‌گرایی به فرهنگ غیر خودی - اگرچه در دراز مدت - و در نتیجه بحران هویت را مساعد و فراهم می‌کنند.

۵. تکریم و ارج نهادن به جوانان به طور ویژه در مقام عمل و اعتماد به تواناییها و ظرفیتهای آنان و سپردن مسئولیتها به آنها.

۶. فراهم سازی زمینه ازدواج و جلوگیری از بالا رفتن سن ازدواج که عامل فساد جنسی است. برای رسیدن به این هدف باید:

۱- ۶. با تمام وسایل تبلیغی به طور مستمر و فراگیر ضرورت ازدواج و خطر بالا رفتن سن ازدواج به خانواده‌ها تفهیم شود.

۲- ۶. زیان تشریفات و تجملات و چشم و هم‌چشمی در امر ازدواج که مانع بزرگی بر سر راه ازدواج جوانان است، بیان شود تا خانواده‌ها بپذیرند که ازدواج یک ضرورت و تکلیف است نه تجارت و خودنمایی.

۳- ۶. دولت و اشخاص نیکوکار برنامه‌هایی برای جلب کمکهای اقتصادی همگانی تنظیم و اجرا کنند تا به جوانانی که قصد ازدواج دارند و با مشکل مالی روبه‌رو هستند مساعدتهای مالی شود.^{۵۷}

۷. فراهم سازی زمینه اشتغال و کار.

۸. مبارزه با فقر و بیکاری؛ زیرا از عوامل مهم در ایجاد بی‌هویتی وجود فقر و بیکاری در جامعه است. شخصیت و هویت جوانان عاطل و باطل که دستشان به جیبشان نمی‌رسد، زودتر از

دیگران فرو می‌ریزد و دچار پوچی و احساس بی‌هویتی می‌شوند. به تعبیر علی (ع) «فقر مایه نقصان دین و سراسیمگی عقل و برانگیختن خشم است.»^{۵۸} چنان‌که بیکاری نیز جوانان را به سمت بزهکاریها و بی‌هویتی می‌کشاند.

۹. پر کردن اوقات فراغت و فراهم کردن زمینه خودسازی جوانان در ابعاد مختلف فکری، اخلاقی،

علمی، جسمی و....

۱۰. به کارگیری همه امکانات برای الگودهی و معرفی الگوهای سالم به جوانان.

۱۱. الگو شدن دولتمردان برای مردم و جوانان و عدم تضاد میان قول و عمل آنان.

۱۲. با توجه به اثر شگرف رسانه‌ها به ویژه صدا و سیما که حتی بر جزئی‌ترین امور زندگی و رفتار اعضای خانواده و تنظیم اوقات زندگی آنان حاکم گردیده و سریع و آسان در دسترس همگان قرار دارد، لازم است که دولت و مسئولان امور این رسانه ملی را در مسیر خیر و صلاح و تعالی مادی و معنوی ملت تجهیز کنند و به کارگیرند و به دانشگاهی همگانی برای بالا بردن بصیرت و آگاهی مردم و جوانان، پاسخگویی به پرسشهای اساسی، القای ارزشهای اسلامی، اخلاق و تربیت اسلامی و آرایه الگوهای سالم تبدیل کنند.

۱۳. بالا بردن سطح اقتصادی و معیشتی خانواده‌های کم درآمد و فقیر و تأمین نیازمندیهای اولیه آنها از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، دارو و درمان.

۱۴. با توجه به نقش مهم نهادهای آموزشی از جمله آموزش و پرورش در هویت بخشی به جوانان لازم است دو کار اساسی انجام گیرد:

۱- ۱۴. مربیان، معلمان و متولیان امور آموزشی بکوشند تا با جوانان رابطه عاطفی برقرار کنند، از برخوردهای مستبدانه، خشک و بی‌تفاوت بپرهیزند و الگوهای مناسبی برای آنان باشند و بدین وسیله اعتماد آنان را جلب کنند و زمینه مناسب برای شکل‌گیری هویت را بیافرینند.

۲- ۱۴. از نظر محتوای دروس نظام آموزشی و امکانات، تجدید نظر اساسی در آموزش و پرورش صورت گیرد تا بدین طریق گرایش و تعلق خاطر نوجوانان و جوانان به این محیط و هویت‌یابی آنان افزایش یابد.

۱۵. انجمن اولیا و مربیان برای آگاه ساختن خانواده‌ها و چگونگی عملکرد آنها و شکل‌دهی به هویت دینی نوجوانان و جوانان برنامه‌ریزی دقیق و منظم ترتیب دهند، از اساتید مجرب و افراد متخصص بهره گیرند و خانواده‌ها نیز از این برنامه به خوبی استقبال کنند و با مدرسه و محیط آموزشی فرزندان بیش‌تر مرتبط گردند.

۱۶. هویت بخشی و هویت پذیری دینی و کسب شخصیتی مستقل و آرمانی در گرو تدبیر و آینده‌نگری و درایت و حوصله والدین است. بکوشند در این راه بیش‌تر سرمایه‌گذاری کنند.
۱۷. پدید آوردن امکانات ورزشی و تفریحی سالم برای جوانان و خانواده‌ها تا بتوانند اوقات فراغت را در مکانهای سالم ورزشی بگذرانند.
۱۸. مراقبت شدید از ورود کالا و اقلام مصرفی و جلوگیری از همه‌سایلی که ارزشها و فرهنگ اسلامی را مورد هجوم قرار می‌دهند.
۱۹. بها دادن به اساتید و معلمان آگاه، متعهد و معتقد به فرهنگ اسلامی و برخورد با اساتیدی که دارای تحصیلات عالی در غرب بوده و اصالت خود را از یاد برده‌اند و با القانات خود موجبات گرایش جوانان به فرهنگ غیر خودی و بی‌هویتی آنان می‌شوند.
۲۰. جداسازی محیط تحصیلی دختران و پسران دانشجو در محیط دانشگاه و مؤسسه‌های آموزش عالی از یکدیگر.

و در یک کلام همه نهادهای تأثیرگذار در هویت بخشی - اعم از خانواده، آموزش و پرورش، رسانه‌ها، دولت، حوزه‌های علمیه و روحانیت - دست به دست هم دهند و همت خود را در برنامه‌ریزی و اجرا و ترویج دین و فرهنگ اسلامی به‌طور هماهنگ مصرف دارند و نسلی متدین، انقلابی، مخلص، مبارز، ایثارگر و شهادت‌طلب، عزتمند و نفوذناپذیر تربیت کنند و تحویل جامعه دهند و کشور و انقلاب اسلامی را بیمه کنند.

نتیجه

در مقاله حاضر، که به بررسی عوامل و راههای هویت بخشی به جوانان می‌پردازد ضمن تبیین مفهوم فرآیند شکل‌گیری هویت و ابعاد آن و دیدگاه قرآن و روایات، بر هویت دینی نسل جوان تأکید شد و نهاد خانواده، نهاد آموزشی، گروه همسالان، رسانه‌های گروهی و نهاد دولت به عنوان پنج عامل مؤثر در هویت بخشی معرفی گشتند.

با توجه به استقرار حکومت دینی در کشور ما بیش‌ترین نقش هویت بخشی در کنار دیگر عوامل تأثیرگذار به نهاد دولت و نظام سیاسی - اجتماعی حاکم داده شد و در این راه، به برخی از راهکارهای هویت بخشی اشاره گردید.

برای هویت بخشی دینی به نسل جوان، ضمن عنایت به راهکارهای ارائه شده، همه امکانات کشور باید بسیج شود و همه نهادها، اعم از خانواده، آموزش و پرورش، رسانه‌های جمعی، حوزه علمیه و روحانیت و دولت - باید هماهنگ عمل کنند. شعائر اسلامی احیا شود،

دین و معارف دینی به خوبی تبلیغ شود، موانع برطرف گردد، زمینه‌ها فراهم شود و با هر آنچه موجب ترویج فرهنگ بیگانه و هویت زدایی دینی می‌شود، در سطح کلان مبارزه‌ای اساسی صورت گیرد و به مردم و جوانان در مسائل دینی، فرهنگی و سیاسی و به ویژه نسبت به استکبار جهانی و توطئه‌هایش در هویت‌زدایی دینی بصیرت و آگاهی داده شود.

پی‌نوشتها:

۱. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه: معین، محمد، فرهنگ معین، واژه هویت.
۲. شکرهی، غلامحسین (۱۳۶۳)، تعلیم و تربیت و مراحل آن، انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۱۹۶؛ شریفی‌نیا، محمد (۱۳۸۰)، «جوانی و تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره)» مجله تربیت اسلامی (۵)، ص ۱۲۷، مرکز مطالعات تربیت اسلامی.
۳. سوره روم (۳۰)، آیه ۵۴.
۴. سوره‌های حج (۲۲)، آیه ۵؛ غافر (۴۰)، آیه ۶۷؛ انعام (۶)، آیه ۱۵۲؛ یوسف (۱۲)، آیه ۲۲؛ اسراء (۱۷)، آیه ۳۴؛ قصص (۲۸)، آیه ۱۴ و احقاف (۱۵)، آیه ۱۵.
۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۱۶، ص ۱۹، اسماعیلیان.
۶. شیخ صدوق، معانی الاخبار، مکتبه الصدوق، ج ۱، ص ۲۲۶.
۷. اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْخَلْقُ لَدَيْ اللَّهِ وَ رَبِّهِ وَ تَفَاوُزُ بَيْنِكُمْ... . حدید (۵۷)، آیه ۲۰.
۸. شَيْنَانٍ لَا يَعْرِفُ فَضْلَهُمَا إِلَّا مَنْ قَدَّمَهُمَا: الشَّبَابُ وَالْعَاقِبَةُ. شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۱۸۳.
۹. فیض الاسلام، نهج البلاغه، نامه ۳۱: «قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ...».
۱۰. شرح غررالحکم، ج ۳، ص ۲۴۹: «بَادِرُ شَبَابِكَ قَبْلَ هَرَمِكَ».
۱۱. محدث بحرانی، تفسیر بوهران، ج ۳، ص ۳۶۶: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «أَوْ لَمْ نَعْتَمِرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ» تَوْبِيخٌ لِابْنِ ثُمَالِيٍّ عَشْرَ سَنَةٍ».
۱۲. حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۱)، کانونهای بحران هویت در ایران، ص ۸-۹. پژوهشکده، مطالعات راهبردی.
۱۳. ر.ک. مهرجردی، مرضیه، «وقتی جوان بر سر دو راهی بماند...»، روزنامه همشهری، ۱۰ / ۱۲ / ۱۳۸۱.
۱۴. ر.ک. شرفی، محمدرضا (۱۳۷۹)، جوان و بحران هویت، ص ۴۲، چاپ اول.
۱۵. شبستری، شیخ محمود، گلشن راز.
۱۶. قاسمی، فرزانه، «مراتب و مؤلفه‌های هویت»، مبانی نظری هویت و بحران هویت، ص ۱۵۳.
۱۷. همان.
۱۸. همان، ص ۱۵۵.
۱۹. حیدری، محمد، همان، ص ۳۴۳، مقاله «هویت و امنیت ملی ملی».
۲۰. ر.ک. شرفی، محمدرضا، جوان و بحران هویت، ص ۱۱۹.
۲۱. ر.ک. همان، ص ۱۲۰-۱۲۸.
۲۲. «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعْوَاهُ لَهٗ سَاجِدِينَ» حجر (۱۵)، آیه ۲۹؛ ص (۲۸)، آیه ۷۲.
۲۳. «الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَنُحْمًا يُؤْتُونَ» انعام (۶)، آیه ۱۲ و ۲۰.
۲۴. «وَ فِي أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» ذاریات (۵۱)، آیه ۲۱.
۲۵. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا» تحریم (۶۶)، آیه ۸: «وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» نور (۲۴)، آیه ۳۱؛ ایضاً ر.ک. به سوره‌های هود (۱۱)، آیه‌های ۳، ۵۲، ۶۱ و ۹۰.
۲۶. «عَلَيْكُمْ أَنفُسِكُمْ» مائده (۵)، آیه ۱۰۵: «قُوا أَنفُسَكُمْ...» تحریم (۶۶)، آیه ۶.
۲۷. «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَرَفَ رَبَّهُ» ر.ک. شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۱۹۴.
۲۸. ر.ک. سوره‌های نحل (۲۷)، آیه ۴۴؛ قصص (۲۸)، آیه ۱۶؛ حشر (۵۹)، آیه ۱۹.

۲۹. ر. ک. سوره‌های انعام (۶)، آیه ۹۰؛ احزاب (۳۳)، آیه ۲۱، محتجته (۶۰)، آیه ۶.
۳۰. ر. ک. داستان قارون؛ پسر حضرت نوح؛ فرعون و فرعونیان: «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ».
۳۱. انبیاء (۲۱)، آیه ۶۰.
۳۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۲۵؛ «قَبِلَ: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ أَلْقَى فِي النَّارِ وَ هُوَ ابْنُ سِتٍّ عَشْرَةَ سَنَةً».
۳۳. انبیاء (۲۱)، آیه ۶۹.
۳۴. کهف (۱۸)، آیه ۱۳.
۳۵. ر. ک. اصول کافی، ج ۱، کتاب التوحید و کتاب الحجّه و... که نمونه‌هایی از این قبیل روایات را جمع کرده است.
۳۶. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۹.
۳۷. همان.
۳۸. همان.
۳۹. همان، ص ۶.
۴۰. شرح غرورالحکم، ج ۴، ص ۳۴۰.
۴۱. میزان الحکمه، ج ۵، ص ۸.
۴۲. مفاتیح الجنان، دعای فرج.
۴۳. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۳۳.
۴۴. فلسفی، محمدتقی، جوان، ج ۱، ص ۱۳۶.
۴۵. ثقة الاسلام کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۷ (احادیث اسلامی را به فرزندان خود بیاموزید و در انجام این وظیفه تسریع نمایید پیش از آنکه مخالفان گمراه بر شما پیش گیرند و سخنان نادرست خویش را در ضمیر پاک آنان جای دهند و گمراهشان سازند).
۴۶. شرح غرورالحکم، ج ۳، ص ۴۳۸.
۴۷. فلسفی، محمدتقی، همان، ج ۲، ص ۲۴۸.
۴۸. همان، ج ۱، ص ۴۹ - ۵۰.
۴۹. بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۴.
۵۰. فلسفی، محمدتقی، همان، ج ۲، ص ۲۴۸ (خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش ترسانم جوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند، ولی پیران از قبول دعوتم سرباز زدند و به مخالفتم برخاستند).
۵۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴.
۵۲. سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان در مصلاهی بزرگ تهران، ۱ / ۲ / ۱۳۷۹.
۵۳. سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با ائمه‌شناسان مختلف مردم به مناسبت میلاد امام علی(ع)، ۵ / ۹ / ۱۳۷۵.
۵۴. حج (۲۲)، آیه ۴۱.
۵۵. ر. ک. الهامی‌نیا، علی‌اصغر و غلامعباس طاهرزاده، اخلاق عبادی، ص ۱۴۶.
۵۶. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۷۰.
۵۷. ر. ک. ماهنامه کوز، سال دوم، شماره ۲۴، اسفندماه ۷۷، ص ۱۳، مقاله‌ای از استاد نبی صادقی.
۵۸. نهج البلاغه، حکمت ۳۱۱: «فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ مَنْقَصَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ».